

«معتقدیم بهترین مسیر برای حل معمای
امنیتی منطقه غرب آسیا و خلیج فارس،
افزایش گفتگوهای برادرانه، اما صریح و بی‌پرده
میان کشورهای منطقه، بدون حضور و دخالت
قدرت‌های خارجی است.»

سخنرانی دکتر خرازی، رئیس شورای
راهبردی روابط خارجی دکتابخانه اسد

۲۹ اسفند ۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر عماد مصطفی، رئیس محترم معهد دیپلماسی سوریه؛

عالیجنابان؛

خانم‌ها و آقایان؛

حضور در معهد دیپلماسی سوریه، و در جمع شما اصحاب فکر و اندیشه، برای اینجانب مایه خوشوقتی است و بسیار خوشحالم که در این کتابخانه ارزشمند در خصوص تحولات غرب آسیا با شما صحبت کنم. از دولت سوریه و معهد دیپلماسی به خاطر میزبانی گرم و ترتیباتی که برای برگزاری این نشست انجام داده‌اند، تشکر می‌کنم و در آغاز سخن تسلیت خود را به مناسبت زلزله شدیدی که موجب ویرانی منازل زیاد و فوت و آوارگی انسان‌های زیادی از اهالی شمال غرب سوریه گردید، ابراز می‌نمایم. حادثه‌ای که کذب بودن ادعاهای حقوق بشری کشورهای غربی را در عدم کمک رسانی به زلزله زدگان سوری به اثبات رساند.

حضار محترم؛

امروز که در اینجا گرد هم آمده‌ایم، دنیا شاهد تحولاتی سریع و بنیادین در روابط بین‌المللی است. عموم صاحب‌نظران روابط بین‌الملل معتقدند بحران اوکراین شکل‌دهنده‌ی نظم بین‌المللی جدیدی خواهد بود و چگونگی تعامل بین قدرت‌های جهانی را برای سال‌های پیش‌رو رقم خواهد زد. بدیهی است که در این نظم نوین، جایگاه کشورها دچار تغییر خواهد شد.

بدون اینکه بخواهم به مقوله نظم نوین بین‌المللی و چگونگی آن ورود کنم، و صرفنظر از اینکه این نظم چه شکل و صورتی پیدا خواهد کرد، از نظر اینجانب یک واقعیت مسلم وجود دارد که در طول تاریخ روابط بین‌الملل و به ویژه در دوران معاصر، همچنان به اثبات رسیده است. این واقعیت آن است که جایگاه کشورها در هر نظمی، براساس قدرت و توانمندی آن‌ها و میزان ایستادگی آن‌ها در برابر فشارهای دیگر قدرت‌ها تعیین می‌شود.

این واقعیت، در حقیقت همان تجربه‌ای است که تحت عنوان «سیاست مقاومت» از سوی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه در طول نیم قرن اخیر، و به طور خاص در یک دهه اخیر، دنبال شده است. این سیاست دشمنی سرسختانه و همزمان غرب، رژیم صهیونیستی و ارتجاع منطقه را که سیاست تسلیم به قدرت‌های بزرگ را می‌پسندند، موجب گردید. تجربه مشترک ایران و سوریه نشان می‌دهد که تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه‌ی قدرت در جهان کنونی، توان مقاومت در برابر نظام سلطه، ایستادگی در مقابل سیاست‌های زورمدارانه و زیاده‌خواهانه‌ی کشورهای بزرگ و توان پرداخت هزینه‌هایی است که این سیاست به دنبال دارد. رمز قدرت ما در ایستادگی و مقاومت ما بوده و هست، و در آینده نیز چنین خواهد بود.

خانم‌ها و آقایان؛

در دهه‌های اخیر، ایالات متحده جنگ‌های بزرگ و ویرانگری را به بهانه مبارزه با تروریسم در این منطقه بزرگ آغاز کرده یا به آن پیوسته است که منجر به کشتار میلیون‌ها انسان بی‌گناه، آواره شدن ده‌ها میلیون نفر، گسست جوامع و خانواده‌ها، فروپاشی دولت‌ها، و ظهور افراط‌گرایی خشن دینی

شده است. اما به هر کشوری که آمریکا به بهانه ایجاد دموکراسی یا گسترش آزادی، حمله کرده، یا بانی کودتا و شورش در آن بوده، در نهایت با شکست مواجه شده است، به طوری که به هدف مورد ادعای خود نرسیده است. دخالت آمریکا در ایران، افغانستان، عراق، مصر، لیبی و سوریه نمونه‌هایی از این تجاوز است. علت شکست‌های پی‌درپی آمریکا را باید در عدم شناخت آنها از خاورمیانه، فرهنگ بومی و باورهای دینی مردم، نادیده گرفتن توان مقاومت مردم در برابر تجاوز بیگانگان، رشد آگاهی ملت‌ها پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری جبهه مقاومت در برابر تجاوزات رژیم آپارتاید اسرائیل و حمایت آن از ملت‌های مظلوم منطقه دانست.

دوستان عزیز

در اینجا از شما دعوت می‌کنم به این نقل قول‌ها توجه نمایید:

تحلیل‌گران و کارشناسان امور سوریه در تمام بخش‌های دولت آمریکا متفق‌القول بودند که جبهه معارضین سوریه ظرف چهار تا شش ماه اسد را سرنگون خواهد کرد. از جمله فردریک هاف (عضو ارشد شورای اتلانتیک) که گفت «باور غالب این بود که اسد زیاد دوام نمی‌آورد. بهار عربی، مبارک و دیگران را با خود برد، همه اینها برای خود غولی بودند، اسد چه کسی است که بتواند در برابر قدرت این موج، مقاومت کند».

رایس مشاور امنیت ملی آمریکا گفت: «شورشیان جنگ آزموده سوری را که با اسد می‌جنگند مسلح می‌کنیم و بعد آموزش می‌دهیم».

وقتی که تلاش برای تقویت معارضین اسد به موفقیتی دست نیافت ... و فشار کنگره و متحدان همچنان برای دست زدن به اقدام ادامه داشت... اوباما در ماه می ۲۰۱۴ بودجه همکاری‌های ضد تروریستی ۵ میلیارد دلاری را برای تقویت همسایگان سوریه پیشنهاد داد که ۵۰۰ میلیون دلار آن زیر نظر وزارت دفاع صرف برنامه آموزش و تجهیز معارضین می‌شد.

معاون رئیس جمهور جو بایدن در سخنرانی خود در ۳ اکتبر ۲۰۱۴ در دانشگاه هاروارد گفت: «مصمم هستند اسد را به زیر بکشند و عملاً جنگ نیابتی شیعه و سنی را راه بیاندازند ... به طوری که به هر کسی که حاضر بود با اسد بجنگد (از جمله النصره، القاعده و عناصر افراطی جهادی) صدها میلیون دلار و ده‌ها هزار تن سلاح دادند.

عربستان سعودی که دغدغه اصلی اش رقابت ژئوپولیتیک با ایران بود، آمادگی داشت که اگر اسد از تهران فاصله بگیرد با او مصالحه کند.

عزیزان من

گمان می‌برید این نقل قول‌ها از کیست؟ تعجب خواهید کرد که اگر به شما بگویم این نقل قول‌ها از کتاب تازه‌ای است که فیلیپ گوردون هماهنگ کننده کاخ سفید در امور خاورمیانه، در دوران ریاست جمهوری اوباما است. به شما عزیزان توصیه می‌کنم این کتاب را که عنوان آن: **Losing the Long Game: The False Promise of Regime Change In The Middle East** یا «باخت بازی طولانی: وعده کاذب تغییر رژیم در خاورمیانه» است، بخوانید تا ببینید از زبان یکی از مقامات اسبق آمریکا، رهبران آن کشور چه جنایاتی را علیه کشورهای خاورمیانه به بهانه توسعه

دموکراسی، برای سرنگونی حکومت‌های منطقه، از جمله سرنگونی نخست وزیر ایران، دکتر محمد مصدق، حمله به افغانستان، حمله به عراق، حمایت از کودتای مصر، حمله به لیبی و تجاوز به سوریه انجام داده‌اند که البته در هیچ یک از آنها نیز به اهداف ادعایی خود نرسیدند.

گفته‌های فیلیپ گوردون عدم شناخت مقامات آمریکا را نسبت به فرهنگ مردم خاورمیانه، به خصوص مدافعان جبهه مقاومت نشان می‌دهد، مردمی که در برابر تجاوز بیگانگان به مقاومت می‌ایستند و شهادت را بر ننگ و عار ادامه زندگی تحت سلطه بیگانگان، ترجیح می‌دهند.

حضار محترم

با چنین باوری، جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت قدرت خود، مسیر مقابله با سلطه‌گری ابرقدرت‌ها را انتخاب کرده است، به طوری که آنچه موجب قدرت جمهوری اسلامی ایران شده است، ایستادگی آن در برابر خواسته‌های زورمدارانه‌ی قدرت‌های غربی بوده است و به همین دلیل «دیپلماسی مقاومت‌محور» مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اهداف این دیپلماسی، در کنار توسعه علمی و پیشرفت‌های اقتصادی، ارتقاء امنیت ملی و توان بازدارندگی دفاعی است. عزیزان من امنیت کالایی نیست که قابل خریداری باشد و جمهوری اسلامی ایران اشتباه بسیاری از کشورهای منطقه در وابستگی امنیتی به قدرت‌های خارجی را تکرار نکرده است. امنیت باید متکی بر توانمندی‌ها و امکانات داخلی بوده، درون‌زا باشد و گرنه پایدار نخواهد بود. از این جهت است که جمهوری اسلامی ایران مخالف حضور و نفوذ هر قدرت خارجی در منطقه غرب آسیاست و اعتقاد عمیق دارد که در سایه همکاری و مشارکت همه کشورهای منطقه و بدون دخالت

خارجی می‌تواند منجر به منطقه‌ای قوی و برخوردار از صلح و امنیت فراگیر شود؛ منطقه‌ای که امنیت آن توسط خود اعضای آن تأمین شود.

عالیجنابان؛

در ادامه سخن علاقمندم به چند مسئله محوری در منطقه، اشاره‌ای گذرا داشته باشم:

(۱) جمهوری اسلامی ایران عربستان سعودی را یک کشور بزرگ منطقه و تاثیرگذار در جهان اسلام می‌داند که میزبان قبله‌گاه مسلمانان و حرمین شریفین می‌باشد. ایران و عربستان نمی‌توانند نگاه حذفی نسبت به یکدیگر داشته باشند، بلکه باید به عنوان دو قدرت اصلی منطقه ظرفیت‌های یکدیگر را برای تأمین صلح و ثبات و توسعه منطقه به کار بندند. خوشبختانه اخیراً دو کشور با مساعی جمیله دولت‌های عراق و عمان، و نهایتاً ابتکار دولت چین، برای از سرگیری روابط دوجانبه توافق کردند. اتخاذ مسیر تعامل و همکاری به جای تنش و تقابل، و اتکا به ظرفیت‌های منطقه، به طور مسلم راهگشای حل و فصل مسائل و بحران‌های منطقه‌ای بدون دخالت خارجی خواهد بود. ما معتقدیم بهترین مسیر برای حل معمای امنیتی منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، افزایش گفتگوهای برادرانه، اما صریح و بی‌پرده میان کشورهای منطقه، بدون حضور و دخالت قدرت‌های خارجی است.

(۲) بحران یمن همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های منطقه است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا بر این اعتقاد بوده است که راه حلی نظامی برای این بحران وجود ندارد، حقیقتی که اکنون پس از حدود ۹ سال جنگ و ویرانی، همگان، از جمله آنان که باعث و بانی این بحران

بوده‌اند، به آن پی برده‌اند. استمرار آتش‌بس، رفع محاصره، فراهم آمدن فضای گفتگوهای یمنی-یمنی و نهایتاً تشکیل دولتی بر مبنای خواست و اراده مردم آن سرزمین، موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای بروز جنگ در یمن بوده است و همچنان ایران آمادگی دارد برای تحقق این اهداف مساعدت نماید.

۳) جمهوری اسلامی ایران از تشکیل یک دولت قوی و توانمند در لبنان، در چارچوب ساختارهای سیاسی موجود، بدون دخالت خارجی و بر مبنای خواست و اراده مردم آن کشور، حمایت می‌کند. لبنان امن و دارای اقتصاد قوی قادر به ایفای نقشی سازنده در منطقه خواهد بود. ما کلیه جریان‌های سیاسی لبنان را به تسریع در فرایند تشکیل دولت، تشویق می‌کنیم.

۴) و بالأخره، در فلسطین جنایات صهیونیست‌ها همچنان بدون هرگونه حد و مرزی ادامه دارد و اکنون ظهور افراد و احزاب فوق افراطی در حاکمیت اسرائیل بر نگرانی‌ها نسبت به جان مردان و زنان و کودکان فلسطینی افزوده است. درحالی‌که از کشورهای عربی توقع ورود صریح به میدان عمل سیاسی در مقابله با جنایات‌های رژیم صهیونیستی می‌رود، متأسفانه برعکس، شاهد عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای منطقه با این رژیم هستیم. عادی‌سازی روابط با اسرائیل و باز کردن پای رژیم صهیونیستی به منطقه خلیج فارس، خیانت نسبت به آرمان فلسطین و اهالی این منطقه است. رژیم صهیونیستی هدفی جز ایجاد تنش در منطقه ندارد. بدون تردید، جمهوری اسلامی ایران به مقابله خود با این رژیم آپارتاید و نامشروع ادامه خواهد داد و با هر حرکتی که منجر به تهدید ایران و کشورهای منطقه شود برخورد خواهد کرد.

در انتها لازم می‌دانم یک بار دیگر مواضع اصولی ایران را در خصوص کشور دوست و برادر سوریه مورد تأکید قرار دهم.

- ما مقاومت شجاعانه مردم سوریه به رهبری عالیجناب بشار اسد، رئیس جمهور محترم این کشور را ارج می‌نهمیم. این رهبری ستبر، در کنار روحیه قوی مردم و کمک‌های بی‌دریغ ایران و روسیه، عامل اصلی در شکست متجاوزان و بازگشت سوریه به ثبات و استقرار سیاسی بود.

- در تجاوز به سوریه و حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی که فی‌الواقع خدمت به رژیم آپارتاید اسرائیل در برابر یکی از اعضای جبهه مقاومت بود، متأسفانه برخی از کشورهای منطقه مشارکت داشتند. البته، برخی از آن‌ها امروز درصدد جبران اشتباه خود و برقراری رابطه با دولت سوریه برآمده‌اند که در حقیقت به معنای اعتراف به غلط بودن سیاست‌های گذشته خود در مقابل دولت و مردم سوریه است. این اعتراف و تلاش برای جبران گذشته، امری پذیرفتنی است؛ ولی این کشورها باید بدانند که هنوز راه درازی را تا جلب اعتماد و اطمینان مردم سوریه در پیش دارند.

- حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه باید به طور کامل محترم شمرده شود و تمامی نیروهای خارجی که بدون دعوت دولت سوریه به خاک این کشور وارد شده‌اند، در اسرع وقت آن را ترک کنند.

- نقش سوریه در روندهای سیاسی منطقه غرب آسیا همواره مهم و برجسته بوده است و اینک زمان بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، بازسازی ویرانی‌ها، بازگشت آوارگان و شروع دوران جدیدی از آرامش، تحرک سیاسی و ابتکارات داخلی فرارسیده است. اطمینان دارم که با

درايت جناب آقاي رئيس جمهور، همراهي مردم و حمايت دوستان سوريه، اين دوران نيز با موفقيت طي خواهد شد.

- و بالاخره، پيوند دو ملت ايران و سوريه كه با عجين شدن خون سربازان و قهرمانان دو كشور در مقابله با تجاوز بيگانگان مستحكم تر از گذشته شده است، ناگسستني خواهد بود و حمايت جمهوري اسلامي ايران از مردم و دولت سوريه ادامه خواهد يافت. جا دارد ياد و خاطره شهيد بزرگوار، سپهبد قاسم سليماني را كه نقش مهمي به ويژه در شكست داعش و جبهه النصره ايفا نمود، گرامي بداريم و براي تعالي روح بلند آن رادمرد دعا كنيم.

از توجه شما متشكرم